

پایگاه علمی ، ادبی و فرهنگی مظفر شریعتی

چیستی و چرایی حوادث این روزهای ما و جهان
ما و احتمالات پیش روی بشر با توجه به
امکانات هوش مصنوعی ؟

(پاسخ من به دوست عزیزی که درد دلی از
چیستی و چرایی حوادث این روزهای ما و جهان
برایم نوشته بود)

راستش من دایی جان ناپلئونی نیستم که هر چه
بشود بگویم کار انگلیسی هاست ، و یا از کسانی
که تصور میکنند جهان توسط چند نفر محدود با
عینک دودی و کلاه و بارانی نشسته در یک
اتاق مخفی اداره میشود ، اما به نظر من همه
ی صاحبان زر و زور و تزویر ، چه با عینک
دودی و کلاه و بارانی باشند و چه با هر ظاهر
دیگری ، اگر خودشان هم امری را برای بهره
برداری از منافع آن طراحی نکرده باشند ، و حتی

برایشان اتفاقی ناخوشایندشان هم بوده باشد ،
ولی دست کم نشان داده اند که خیلی خوب بلد
هستند تا از هر آبی برای خود ماهی صید کنند .
و از طرفی من همه ی حوادث تاریخ بشر را ناشی
از ویژگی های مشترک آدمیان میدانم ،
خصوصیاتی چون منفعت طلبی ها و برتری جویی
های شخصی ، گروهی ، قومی ، جنسیتی ،
نژادی ، عقیدتی ، حسادت ها ، حماقت ها ،
جهالت ها ، خیانت ها و امثال آن و نیز اینکه
بیشتر آدمها را میتوان فریفت یا خرید ، فقط
روش و یا قیمتشان فرق میکند . همه ی انسانها
به دلیل انسان بود نقاط ضعف و نیز تمایلات
وسوسه انگیزی دارند که میتواند عامل این فریب
خوردن یا خریداری شدن قرار گیرد . مگر در
مورد افرادی که به نفاط ضعف و خطاهای خود
آگاه و معترف بوده و توانایی کنترل وسوسه های
دل خود را داشته باشند . بنابراین همواره در
تاریخ بشر اقلیت هایی توانسته اند با استفاده از
همین ویژگی های بشری که ذکر شد و به کمک
هوش خود و یا ضعف دیگران ، جسارت ، جنایت
، و حتی بخت و اقبال ، کنترل جوامع خود و
حتی جوامع زیاد دیگری را به دست بگیرند . و
تقریبا اغلب صفحات تاریخ بشر با همین چند قلم

(فونت) و یا ترکیبی از آنها نوشته شده و یا در حال نوشته شدن میباشند .

بنابراین در چنین وضعیت و چنین جهانی احتمال هر چیزی را نمیتوان نادیده گرفت . در سرزمین خودمان هم ، هم به دلیل اینکه بخشی از همین جهان میباشد که بیان شد و هم به دلیل موقعیت بسیار ویژه ی جغرافیایی و منابع طبیعی اش ، حوادث و رویداد ها تحت تاثیر عوامل بسیار زیاد داخلی و خارجی پیچیدگی های زیادی هم پیدا کرده اند که متأسفانه نتیجه و برآیند همه ی این عوامل تبدیل شدن ما به مردمی عجیب شده است که در همه ی عرصه ها همانگونه رفتار میکنیم که در پشت فرمان اتوموبیلهايمان و در خیابانها و جاده ها يمان . و بنابراین تا زمانی که چنین فرهنگی داشته و چنین رانندگی میکنیم ، از هیچ رویدادی نیز نباید متعجب شویم . ([ویدیوی " کویر 22 "](#) [را ببینید](#)) .

شاید مجموعه های تلویزیونی 24 و لاست را دیده باشید . صرفنظر از اینکه هدف از ساخت چنین مجموعه هایی چیست ([میتوانید نقد مرا بر مجموعه ی لاست در اینجا ببینید](#)) اما دو نکته در این دو مجموعه ی معروف تلویزیونی برای

من جالب و درست بود . اول آنکه در این دو مجموعه ، حوادث از زوایای مختلفی جریانی کاملاً متفاوت داشتند . یعنی یک حادثه وقتی از دو نقطه ی دید متفاوت بررسی میشد دو ماجرای کاملاً متفاوت هم میبود . و دیگر اینکه اغلب افراد (و در کل انسانها) موجوداتی کاملاً غیر قابل پیش بینی و نیز قابل تغییر بودند و میتوانستند به دلایل متعددی و حتی شخصی مانند یک عشق ، نفرت ، حسادت ، حماقت ، رفاقت و ... درست سر بزنگاهی مهم یک کار گروهی را خراب کرده و یا در مقطعی از زمان کاملاً تغییر شخصیت بدهند .

بنابراین من هم مثل شما سر در نمی آورم که در پشت پرده ی حوادث اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی دنیا چه در ارتباط با ما چه خودشان و چه دیگران چه خبر است ، چون همه ی آنچه میدانم از منابع محدود و آن هم منابعی با عینک مخصوص میباشد . منابعی که بعید است صاحبان آنها موسسه های خیریه برای ما یا جهان باز کرده باشند و احتمالاً هر یک وابسته به سازنده ی تورهای ماهی گیری خاصی و برای ماهی های ویژه ای باشند . که البته ممکن است درموردی این منافع یا اهداف نقاط مشترکی

هم با منافع یا خواسته های ما داشته باشند . اما مسلماً نباید تصور کنیم که آنها به گفته ی مثل معروف خودمان برای رضای خدا موش میگیرند . برخی از این منابع با منابع مالی بزرگ ممکن است اطلاعات درست زیادی نیز در اختیار ما قرار دهند اما درست مانند آنچه در ویدیوی "روش های سینمایی تاثیر بر مخاطب" در سالهای زیادی قبل اشاره کردم ، هدفشان همان چند کادر تصویر مشخص و با هدف مشخص باشد (خبرهای واقعی یا جعلی یا تفسیر آنها با اهدافی مشخص) و یا مشابه ماجرای در مجموعه ی تلویزیونی لاست که یکی از شخصیت های اصلی داستان نشان میداد که چگونه طعمه های خود را برای کلاهبرداری وادار میکرده که چگونه فکر کنند و نتیجه بگیرند که او میخواست است ، در جهان امروز ما نیز رسانه ها قادرند همینگونه ما را وادارند تا در مورد حوادث آنگونه فکر کرده و نتیجه گیری کنیم که مورد نظر آنها باشد . در واقع ما اغلب ، چیزهایی را میدانیم که عده ای از صاحبان زر و زور و تزویر و در راستای منافع خود میخواهند و یا میگذارند که ما بدانیم . کسانی که با توجه به دسترسی به فناوریهای روز ، روز به روز هم بر قدرت ، اقتدار

و مهارت‌های سناریو نویسی شان افزوده میشود . البته نه الزاما ، هم به دلیل ویژگی های انسانی که بیان شد و افراد و حوادث را غیر قابل پیش بینی میکند و هم ، امکانات ارتباطی رایج بین مردم امروز جهان که روزنه های بزرگی را برای آگاهی های بیشتر و نزدیکتر به واقعیت باز کرده است ، و البته هم ، برای شیوع بهتر و بیشتر اخبار و اطلاعات نادرست ، و این یعنی دشواری کشف حقایق در جهان لبریز از اطلاعات امروزی . در گذشته اطلاعات اندک مردم را از قضاوت درست دور میکرد در حالیکه امروزه حجم بسیار زیاد اطلاعات درست و نادرست چنین میکند . ولذا ضرورت دارد تا با مراجعه به منابع مختلف اطلاعاتی و گذراندن اطلاعات دریافت شده از فیلتر های صبر و حوصله و عقل و خرد و شاید هم بزودی با استفاده از هوش های مصنوعی ی البته سالم ! توان تشخیص اطلاعات درست از نادرست را در خود تقویت کنیم . و البته با وجود همه ی اینها و از آنجا که بسیاری از ما تازه از چند و چون گوشه ای از حوادث 50 تا صد سال قبل آگاه شده ایم ، احتمالا حتی با وجود هوش های مصنوعی باز هم ، فقط این آیندگان در 50 تا 100 سال دیگر باشند که

از چند و چون حوادث امروز جهان ما آگاه شوند . اما چرا گفتم هوش مصنوعی برتر اما سالم ؟ زیرا هوش های مصنوعی ساخته شده ی فعلی مجموعه ای از الگوریتم هایی هستند که نحوه ی آموختن و نتیجه گیری کردن از اطلاعات را به کامپیوتر ها نشان میدهد . اما اول آنکه هنوز این الگوریتم ها ابتدایی هستند و تا نزدیک شدن آنها به ساختار های بسیار پیچیده و هنوز مرموز و کشف نشده ی مغز ما راه بسیار زیادی در پیش است . و دوم ، تازه در آن زمان مشابه ذهن و هوش پر از اشکال فعلی ما عمل خواهند کرد ، تنها با این تفاوت که به منابع اطلاعاتی بسیار بیشتری از ذهن ما دسترسی خواهند داشت . که البته گام بسیار مهم و مفیدی در تاریخ بشر میباشد . اما اگر بشر بتواند برای کامپیوتر هایش الگوریتم های بهتری از آنچه در مغز خود او وجود دارد بسازد ، و تشخیص و بیان حقیقت را برایشان مبنا قرار دهد و نه منفعت خود یا هر عامل تعیین شده ی دیگری ، در این صورت شاید بتوان آن را هوش برتر و سالم نامید .

از طرف دیگر همانطور که درویدیوی کویر 22 ، تحت عنوان " کویر و تحولات فرهنگی در یک جامعه " اشاره کردم ، برای ایجاد یک تحول در جامعه در هر زمینه ای باید آن تحول در اکثریت افراد یک جامعه رخ داده باشد . در یک کویر نمیتوان برنج کاشت و انتظار محصول داشت . و به دلایل متعددی همه ی افراد یک جامعه به امکانات لازم برای کسب اطلاعات متنوع و درست از پدیده های علمی ، فرهنگی ، سیاسی و غیره دسترسی ندارند . و تحصیلات تخصصی در رشته های متعدد امروزی نیز الزاما ضامن آگاهی های فرهنگی و اجتماعی صاحبان این مدارک تحصیلی نیست و چه بسیار متخصصان چیره دست در زمینه ای ، که در زمینه های دیگر قرن ها و حتی هزاران سال از قافله ی تجارب بشری عقب مانده اند . همچنین باید بپذیریم که من و شما هم اگر ده هزار سال قبل زندگی میکردیم به احتمال 90 درصد مشابه افراد آن دوران فکرو عمل میکردیم و دنیا را آنگونه میدیدیم و قضاوت میکردیم که آنها میدیدند و قضاوت میکردند . همانطور که اگر در نقطه ی دیگری از همین جهان و با شرایط متفاوتی بدنیا آمده و رشد کرده بودیم ، اکنون نیز همه ی خصوصیات جسمی و

فرهنگی و اعتقادی مان متفاوت میبود . بنابراین نقش تعیین کننده در تحولات فرهنگی مثبت در یک جامعه را میزان اطلاعات درست اکثریت افراد یک جامعه از پدیده های پیرامون آنها تعیین میکند .

از طرفی ما به مقطعی از تاریخ بشری خود رسیده ایم که موجودی بسیار بسیار توانا تر و سریع تر از خودمان در دسترسی به همه ی تجارب گذشته ی بشری ساخته ایم . (کامپیوتر های هوشمند) موجودی که میتواند در کسر کوچکی از دقیقه و حتی ثانیه به همه ی منابع نوشتاری ، صوتی و تصویری تاریخ و تجارب بشری دسترسی داشته و قادر به تجزیه و تحلیل آنها باشد . و چنین موجودی اگر ذهنش سالم بماند و دروغ گفتن در جهت حفظ منافع سازنده هایش را آموزش ندیده باشد ! به سادگی میتواند منبع معتمدی برای پاسخ به پرسش های پر چالش و حتی منجر به جنگ های خونین بشری گردد . مسئله ای که موجب وحشت گروهی از افراد شده است که هوش مصنوعی و دسترسی سریع انسانها به منابع مختلف اطلاعاتی و تجارب بشری و دریافت پاسخ های درست و یا دست کم درست تر و بهتر را مغایر منافع خود میبینند .

اگر چه متاسفانه باز هم با توجه به تاریخ حوادث بشری ، به نظر میرسد که خطر هوش مصنوعی بیشتر متوجه رعیت هایی است که اربابانشان با در دست داشتن فناوریهای جدید بویژه کامپیوتر های مجهز به هوش مصنوعی قدرتهای خدا گونه ای هم پیدا کرده اند . و البته خوشبختانه نیز ، باز هم به دلیل غیر قابل پیش بینی بودن رفتار انسانها درست به مانند الکترون های دنیای کوانتوم ، و برخی داستانهای مجموعه های تلویزیونی لاست و 24 و فیلمها و داستانهای مشابه ، پیش بینی آینده ی بشر هم امری غیر ممکن شده است بویژه با توجه به حوادثی غیر قابل پیش بینی چون تغییرات آب و هوایی ، میکربها و ویروسهای طبیعی و یا ساختگی ، برخورد شهاب سنگها و انقراض های بیشمارى که تاریخ تکامل در این سیاره تا کنون به خود دیده است .

نئاندرتالها به دست ما هموساپینس ها - Homo sapiens - منقرض شدند چون اگرچه از نظر بدنی از ما نیرومند تر بودند اما از نظر ذهنی ضعیف تر بودند . رباتها نمیتوانند ما را منقرض کنند ، چون به سادگی میتوانیم خاموششان کنیم . اما آنها میتوانند از ما باهوش

تر شوند و قدرت خارق العاده ی دسترسی آنها به همه ی منابع اطلاعاتی تاریخ بشر و پردازش سریع آنها ، به سادگی ما را در مقابلشان بسیار ضعیف تر و حتی نادان تر از انسانهای نئاندرتال خواهد کرد . در این صورت به گمان من چند حالت میتواند رخ دهد :

اول آنکه مادر کنار هم و با هم بشویم و با درس گرفتن از تاریخ گذشته ی بشری خود دروغ گفتن ، حسادت ، جهالت و . . . را کنار بگذاریم . در این صورت هم وضع انسانها و هم سایر ساکنان این سیاره بسیار بهتر خواهد شد .

دوم اینکه اربابان فعلی زر و زور و تزویر در جهان این بار هم مطابق گذشته بتوانند از این فناوری در جهت منافع خود استفاده کرده و بنابراین جهانی دو قطبی شامل طبقه ای ارباب با امکانات و قدرتهای مافوق تصور و طبقه ای رعیت ایجاد کنند . رعیتی که به تدریج در رنج و درد و محرومیت های خود منقرض شده و جای خود را به رباتهای بی درد سر مجری فرامین اربابان خود بدهند .

و **سوم** هم اینکه تضاد مافوق تصور بین اربابان و رعیت ها (حالت دوم) به انفجاری عظیم منجر گردد و نه از تاک اثر ماند و نه از تاک نشان و داستان حیات بشر در این سیاره مختومه گردد که باز هم به گمانم اتفاق بدی نخواهد بود چرا که به گفته ی زنده یاد همسر نازنینم افسانه ، زمین بدون انسان جای بهتری خواهد بود و یا داستان بشر مجددا و از نو نوشته خواهد شد .

به هر حال در مورد سردرگمی شما از حوادث جهان و داستان آدمهایش ، به نظر من تجربه های عینی ما نشان داده است که اگرچه اغلب آدمها به راحتی میتوانند بازیگر بازی هایی شوند که توسط نویسندگان ، تهیه کنندگان و کارگردانان بسیار زیرک و توانایی نوشته ، ساخته و پرداخته شده اند . اما رفتار و ویژگی های غیر قابل پیش بینی ما انسانها چه در نقش بازیگر و چه تهیه کننده و کارگردان ، این بازیها را از حالت کاملا مطابق نوشته و پیش بینی هم خارج میکند . و بنابراین درست مانند غیر قابل پیش بینی بودن رفتار الکترون در دنیای کوانتوم ، رفتار انسانها

هم در بازی زندگی قابل پیش بینی نخواهد بود .
امری که هم هیجان زندگی را بالا میبرد (البته
متأسفانه غیر انسانی) ، و هم هیچگاه امید را
در بشر نسبت به آینده خاموش نمیکند .

مظفر شریعتی

تیر ماه 402

www.shariaty.com

https://www.youtube.com/shariaty_mozaffar

<https://t.me/mozaffarshariaty>

<https://twitter.com/shariaty>

https://www.facebook.com/shariaty_mozaffar

https://www.instagram.com/mozaffar_shariaty

E.mail : shariaty.com@gmail.com